

موان و ثروتمند بازنشسته شوید

چگونه به سرعت ثروتمند شویم و برای همیشه ثروتمند بمانیم

رابرت. تی. کیوساکی - شارون. ال. لپتر

تأهید سپهرپور



سرشناسه: کیوساکی، رابرت، تی، ۱۹۴۷-م. Kiyosaki, Robert T

عنوان و نام پدیدآور: جوان و ثروتمند بازنشسته شوید: چگونه به سرعت ثروتمند شویم و برای همیشه ثروتمند بمانیم/رابرت. تی. کیوساکی؛ شارون. ال. لچتر؛ ترجمه ناهید سپهرپور.

مشخصات نشر: تهران: آوین، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۴۸-۴۶-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Rich dad's retire young, retire rich: how to get rich and stay rich forever, 2002

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "در جوانی بازنشسته شو" توسط انتشارات حوض نقره در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.

عنوان دیگر: در جوانی بازنشسته شو.

موضوع: امور مالی شخصی.

موضوع: امنیت مالی.

موضوع: ثروت.

موضوع: بازنشستگی - درآمد.

شناسه افزوده: لچتر شارون ال.

شناسه افزوده: Lechter, Sharon L

شناسه افزوده: سپهرپور، ناهید، ۱۳۵۰- مترجم

رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۰ ۹۵۴/ک۹۷۹ HG

رده بندی دیویی: ۳۳۲/۰۲۴۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۵۰۰۳



عنوان: جوان و ثروتمند بازنشسته شوید

نویسندگان: رابرت، تی. کیوساکی، شارون لچتر

مترجم: ناهید سپهرپور

ویراستار: مامک بهادرزاده

چاپ جلد: ایران گرافیک

چاپ و صحافی: معراج

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۰

قیمت: ۸۴۰۰ تومان

کلیه حقوق متعلق به ناشر است.

شیخ بهایی جنوبی، بلوار آزادگان، خیابان ۲۱ غربی، شماره ۳۳

تلفکس: ۸۸۰۰۷۰۸۳ و ۸۸۰۱۳۶۰۰

[عضو کانون فرهنگی زنان ناشر]

فروش اینترنتی و اطلاعات ناشر این کتاب در www.avin.persianbook.net

Peikavin@yahoo.com

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه چرا داوود با جالوت مقابله کرد
۱۷.....	بخش اول اهرم ذهن شما
۲۱.....	۱- چگونه ثروتمند و در جوانی بازنشسته شویم
۳۲.....	۲- چرا در سنین هرچه پایین تر بازنشسته شویم؟
۴۱.....	۳- چگونه در جوانی بازنشسته شدم
۵۵.....	۴- چطور می‌توانید زود بازنشسته شوید
۶۷.....	۵- اهرم ذهن شما
۸۳.....	۶- چه چیزی را مخاطره‌آمیز تلقی می‌کنید؟
۹۶.....	۷- چگونه کمتر کار کنیم و درآمد بیشتری کسب کنیم
۱۱۳.....	۸- سریع‌ترین راه برای ثروتمند شدن سریع: خلاصه‌ای از اهرم ذهنی
۱۲۱.....	بخش دوم اهرم برنامه شما
۱۲۵.....	۹- برنامه شما چقدر سریع است؟
۱۴۴.....	۱۰- اهرم دیدن آینده‌ای ثروتمند
۱۷۱.....	۱۱- اهرم یکی بودن حرف و عمل
۱۸۳.....	۱۲- اهرم داستان‌های پریان
۲۰۳.....	۱۳- اهرم سخاوت
۲۳۱.....	بخش سوم اهرم عملکردهایتان
۲۳۵.....	۱۴- اهرم عادت‌ها
۲۵۲.....	۱۵- اهرم پول شما
۲۶۶.....	۱۶- اهرم املاک و مستغلات
۲۸۷.....	۱۷- اهرم دارایی‌های کاغذی

۱۸- اهرم کسب و کار ۳۲۷

۱۹- رهنمودهای مهم ۳۴۵

۲۰- آزمون نهایی ۳۷۷

بخش چهارم اهرم اولین گام ۳۸۱

۲۱- چگونه به حرکت ادامه دهیم ۳۸۵

www.ketab.ir

مقدمه

چرا داوود با جالوت^۱ مقابله کرد

داوود و جالوت یکی از داستان‌های مورد علاقه پدرپولدارم بود. گمان می‌کنم او خود را به داوود تشبیه کرده است، مردی که با هیچ شروع کرد، اما توانست با غول‌های کسب و کار رقابت کند. پدرپولدارم می‌گفت: «داوود توانست جالوت را شکست دهد زیرا می‌دانست که چگونه از نیروی اهرم بهره گیرد. یک پسر جوان و یک تیروکمان ساده، خیلی قدرتمندتر از غول وحشت‌زده یعنی جالوت بود. این نیروی اهرم است.»

کتاب‌های قبلی من درباره قدرت گردش پول بودند. پدرپولدارم می‌گفت: «گردش پول مهمترین واژه در دنیای پول است. دومین واژه مهم/اهرم است.» او همچنین می‌گفت: «اهرم همان عاملی است که برخی از مردم به واسطه آن ثروتمند می‌شوند و برخی دیگر نمی‌شوند.» پدرپولدار در ادامه شرح می‌داد که اهرم قدرت است و اینکه قدرت می‌تواند به نفع یا به ضرر شما کار کند. چون اهرم قدرت است، برخی از آن استفاده می‌کنند، برخی سوءاستفاده می‌کنند و برخی دیگر از آن می‌ترسند. او می‌گفت: «علت اینکه کمتر از ۵ درصد تمام آمریکایی‌ها ثروتمند هستند، این است که تنها ۵ درصد از آنان می‌دانند که چگونه از نیروی اهرم/استفاده کنند. بسیاری از کسانی که می‌خواهند ثروتمند شوند، نمی‌توانند ثروتمند شوند زیرا از این قدرت سوءاستفاده می‌کنند؛ و اغلب مردم ثروتمند نمی‌شوند زیرا از قدرت اهرم هراس دارند.»

اهرم اشکال بسیاری دارد

اهرم اشکال بسیاری دارد. یکی از اشکال شناخته شده آن، اهرم پول قرض گرفتن است. امروزه ما به مشکلات شدید کسانی که از این اهرم قدرتمند سوءاستفاده می‌کنند، واقفیم. میلیون‌ها نفر از مردم با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند، زیرا نیروی این اهرم، یعنی

۱. یهلوان غول‌آسای فلسطینی که حضرت داوود در نبردی تن به تن او را با قلابسنگ هلاک کرد.

پول قرض گرفتن را بر ضد خود به کار می گیرند. اکنون بسیاری از مردم، به دلیل عواقب سوءاستفاده از اهرم پول قرض گرفتن، از آن وحشت دارند و می گویند: «کارت های اعتباری تان را ریزریز کنید، رهن خانه تان را تسویه کنید و از شر بدهی خلاص شوید.» پدرپولدارم می خندید و می گفت: «پاره کردن کارت های اعتباری کسی را پولدار نمی کند. این کار فقط مرا به فردی مفلوک بدل می کند.» با این همه، پدرپولدارم موافق بود که اگر شما فردی هستید که از قدرت اهرم پول قرض گرفتن سوءاستفاده می کنید، حتماً باید کارت های اعتباری تان را پاره کنید، رهن خود را تسویه کنید و از شر بدهی خلاص شوید. او می گفت: «دادن کارت اعتباری به برخی افراد مثل دادن تفکیکی پر به یک فرد مست است. هر کس که نزدیک این آدم مست باشد، از جمله خود وی در معرض خطر است.» پدرپولدارم، به جای اینکه به ما یاد بدهد از قدرت اهرم پول قرض گرفتن بنویسیم، به من و پسرش یاد داد که چگونه از قدرت این اهرم به نفع خود استفاده کنیم. به همین دلیل بود که اغلب می گفت: «وام ها به دو دسته خوب و بد تقسیم می شوند. وام خوب شما را پولدار می کند و وام بد، فقیر.» اغلب مردم گرفتار وام بد می شوند و بسیاری دیگر در ترس از بدهی زندگی می کنند و افتخار می کنند که هیچ بدهی ندارند... تا جایی که حتی از وام خوب هم پرهیز می کنند. در این کتاب، خواهید دید که چطور من و همسرم کیم، در جوانی و با ثروت زیاد بازنشسته شدیم زیرا به شدت مقروض بودیم، بدهی ما بسیار زیاد اما از نوع خوب بود. بدهی که ما را پولدار و به لحاظ مالی مستقل کرد. به عبارت دیگر، ما از قدرت اهرم استفاده کردیم، اما از این قدرت سوءاستفاده نکردیم. در عین حال که در ترس از این قدرت نیز زندگی نمی کنیم. در عوض، ما به قدرت این اهرم احترام می گذاریم و با درایت و دقت از آن استفاده می کنیم.

آیا هر کسی می تواند ثروتمند شود؟

طی صدها مصاحبه ای که پس از انتشار کتاب پدرپولدار داشته ام، از من می پرسند: «آیا فکر می کنید هر کسی می تواند پولدار شود؟»

من جواب می دهم: «بله، به باور من هر کسی قابلیت پولدار شدن را دارد.»

در این هنگام، اغلب از من می پرسند: «اگر هر کسی می تواند پولدار شود، پس چرا فقط تعداد کمی از مردم پولدار می شوند؟»

پاسخ من معمولاً این است: «امروز فرصت پاسخ دادن به این پرسش را ندارم.» اگر اصرار کنند، ممکن است بگویم: «بسیاری از این پاسخ ها را می توانید در چهار کتاب نخستم از سری

پدرپولدار پیدا کنید.»

اگر فرد مصاحبه کننده مصر باشد ممکن است چیزی مثل این را بپرسد: «کی تمام پاسخ‌ها را به ما خواهید داد؟»

من در جواب می‌گویم: «نمی‌دانم آیا ممکن است کسی تمام پاسخ‌ها را داشته باشد.»

حتی اگر تمام پاسخ‌ها را ندانم، بسیار خرسندم از اینکه بالاخره این کتاب، یعنی کتاب پنجم از سری پدرپولدار را به شما تقدیم می‌کنم. این کتاب به طور یقین شرح خواهد داد که چرا فکر می‌کنم همه ما هم اکنون قدرت و توان این را داریم که ثروتمند شویم... و واقعاً منظور من همه ماست نه فقط برخی از ما. همچنین شرح خواهم داد که چگونه من و همسرم کیم توانستیم جوان و ثروتمند بازنشسته شویم، گرچه در آغاز هیچ پولی نداشتیم. به علاوه در این کتاب خواهید خواند که چطور برخی مردم پولدارند و برخی دیگر فقیر، با اینکه همه ما قدرت و توان پولدار شدن و بازنشسته شدن در جوانی را داریم. همه این‌ها مربوط به اهرم می‌شود.

چهار کتاب نخست از سری پدرپولدار در وهله اول درباره قدرت گردش پول بودند. کتاب حاضر درباره اهرم است. چرا کل یک کتاب به این موضوع اختصاص یافته است؟ به این علت که اهرم واژه‌ای بسیار بزرگ است که تقریباً تمام ابعاد زندگی ما را در برمی‌گیرد. این کتاب روی سه اهرم مهم تأکید خواهد داشت. آن‌ها عبارتند از:

بخش ۱: اهرم ذهن شما

این مهمترین بخش کتاب است. در این بخش خواهید فهمید که چرا پول شما را پولدار نمی‌کند. در این بخش خواهید فهمید که قدرتمندترین اهرم در جهان، یعنی ذهن شماست که می‌تواند شما را پولدار یا فقیر کند. درست همان‌طور که هر کسی می‌تواند از قدرت اهرم وام گرفتن استفاده کند، سوءاستفاده کند یا از آن بهرآسد، در مورد مغز شما نیز همین‌طور است. مغز اهرمی بسیار قدرتمند است.

کلمات اهرمند

در این کتاب به قدرت کلمات پی خواهید برد. پدرپولدار همیشه می‌گفت: «کلمات اهرم هستند. کلمات ابزار قدرتمندی هستند... ابزاری برای مغز. اما درست همان‌طور که می‌توانید از وام گرفتن برای پولدار شدن یا فقیر شدن استفاده کنید، از کلمات نیز می‌توانید برای پولدار شدن یا فقیر شدن بهره ببرید. در این بخش، به قدرت کلمات پی خواهید برد و اینکه چطور ثروتمندان از

واژه‌های ثروت و فقرا از واژه‌های فقر استفاده می‌کنند. پدرپولدارم اغلب می‌گفت: «مغز شما می‌تواند قدرتمندترین دارایی یا قدرتمندترین بدهی‌تان باشد. اگر شما در مغز خود از واژه‌های درست استفاده کنید، ثروت زیادی کسب خواهید کرد. اگر واژه‌های نادرست را به کار ببرید، مغزتان شما را فقیر خواهد کرد.» در این بخش، مطالبی در خصوص واژه‌های ثروت و فقر خواهید خواند... واژه‌های کند و واژه‌های سریع. خواهید فهمید که چرا پدرپولدار گفت: «پول درآوردن به پول نیاز ندارد.» او می‌گفت: «ثروتمند شدن با کلمات شما آغاز می‌شود و کلمات مجانی هستند.» شاید در کتاب پدرپولدار و پدربی پول، خوانده باشید که پدرپولدار، من و پسرش را از گفتن این جمله منع کرده بود: «از عهده من بر نمی‌آید.» پدرپولدارم می‌گفت: «تفاوت بین ثروتمندان و فقرا این است که فقرا خیلی بیشتر از ثروتمندان این جمله را می‌گویند: "از عهده من بر نمی‌آید"، این نخستین تفاوت است.»

چرا سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز نیست

در این کتاب، خواهید فهمید چرا کسانی که می‌گویند: «سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز است» برخی از بزرگترین بازندگان در بازارهای سرمایه‌گذاری هستند. باز این هم به واژه‌ها مربوط می‌شود. خواهید فهمید، همان چیزی که فکر می‌کنید واقعیت دارد، واقعیت شما را رقم خواهد زد. متوجه خواهید شد چرا کسانی که فکر می‌کنند سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز است، در مخاطره‌آمیزترین سرمایه‌گذاری‌ها شرکت می‌کنند، علت این امر واقعیت آن‌هاست. در این کتاب، خواهید فهمید که چرا سرمایه‌گذاری به خودی خود مخاطره‌آمیز نیست. مردم باید برای یافتن عرصه‌های سرمایه‌گذاری ایمن‌تر، ابتدا واژه‌های خود را تغییر دهند.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، افراد می‌توانند از قدرت اهرم استفاده کنند، سوءاستفاده کنند یا از آن بترسند. در این بخش متوجه خواهید شد که چگونه از اهرم فکر خود در جهت منافع مالی خویش کمک بگیرید نه اینکه علیه منافعتان از آن استفاده کنید. پدرپولدار می‌گفت: «اغلب مردم از قدرتمندترین اهرم جهان یعنی مغز خود استفاده می‌کنند تا خود را فقیر کنند. درحالی‌که این کار استفاده از این قدرت نیست. این سوءاستفاده است. هر بار که می‌گویید: «من از عهده این کار بر نمی‌آیم» یا «نمی‌توانم این کار را انجام دهم»، یا «این سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز است» یا «من هرگز پولدار نخواهم شد»، در واقع در حال به کار بردن نیرومندترین اهرمی هستید که در اختیار دارید... و از آن برای صدمه زدن به خود استفاده می‌کنید.»

اگر می‌خواهید جوان و ثروتمند بازنشسته شوید، نیاز خواهید داشت که از مغز خود در جهت

منافعتان استفاده کنید، نه در مقابل خود. اگر نمی‌توانید این کار را انجام دهید، پس عمل به راهکارهای دو بخش بعدی این کتاب نیز برایتان امکان‌پذیر نخواهد بود، حتی اگر ساده باشند. اگر می‌توانید کنترل قدرتمندترین اهرم را به دست بگیرید، دو بخش بعدی هم برایتان آسان خواهند بود زیرا آنها آسان هستند.

بخش ۲: اهرم برنامه‌ریزی شما

در کتاب شماره سه، راهنمای سرمایه‌گذاری پدرپولدار^۱، نوشتم که «سرمایه‌گذاری یک برنامه بود.» برای اینکه من و کیم در جوانی بازنشسته شویم نیاز به یک برنامه داشتیم... برنامه‌ای که با هیچ آغاز می‌شد زیرا ما چیزی نداشتیم. این برنامه شامل یک نقطه پایان یا خروج، و همچنین محدوده زمانی بود. محدوده زمانی ما ده سال یا کمتر بود. ۹ سال طول کشید تا ما در سال ۱۹۹۴ بازنشسته شدیم. من چهل و هفت سال، و کیم سی و هفت سال داشت. اگرچه ما با هیچ آغاز کرده بودیم، در پایان، درآمد سالیانه‌ای حدود ۸۵،۰۰۰ دلار تا ۱۲۰،۰۰۰ دلار بسته به وضعیت بازار داشتیم بدون اینکه کار کنیم. درآمد ما حالا تنها از محل سرمایه‌گذاری‌هایمان به دست می‌آمد. حتی اگر این پول زیادی نبود، ما به لحاظ مالی رها بودیم، زیرا مخارجمان کمتر از ۵۰،۰۰۰ دلار در سال بود.

ما در جوانی بازنشسته شدیم تا ثروتمند شویم

یکی از مزایای بازنشسته شدن در جوانی این است که حالا وقت آزاد داشتیم تا ثروتمند شویم. راستی، مجله فوربز افراد را با درآمد سالیانه‌ای حدود ۱ میلیون دلار یا بیشتر، ثروتمند می‌نامد. به عبارت دیگر براساس تعریف فوربز، ما وقتی بازنشسته شدیم هنوز ثروتمند نبودیم. با دانستن این مطلب، یکی از دلایل بازنشستگی ما در جوانی این بود که وقت خود را صرف ثروتمند شدن کنیم. پس از بازنشستگی، برنامه ما این بود که از این فرصت برای سرمایه‌گذاری و ساختن کسب و کار استفاده کنیم. امروز، نه تنها شرکت‌های سهامی بزرگ املاک، بلکه یک انتشارات، یک شرکت معدن، یک شرکت فناوری و یک شرکت نفت تأسیس کرده‌ایم و همچنین سرمایه‌گذاری‌هایی هم در بازار سهام داریم. همان‌طور که پدرپولدار اغلب می‌گفت: «ایراد یک شغل داشتن، این است که راه پولدار شدن را سد می‌کند.» به عبارت دیگر، ما خود را در جوانی بازنشسته کردیم تا فرصت ثروتمند شدن را داشته باشیم. امروز، درآمد سالیانه ما از محل

سرمایه‌گذاری‌ها و شرکت‌هایمان به میلیون‌ها دلار می‌رسد و حتی پس از سقوط بازار سهام هم به سرعت رو به افزایش است. همه چیز مطابق برنامه پیش می‌رود.

در کتاب شماره سه، راهنمای سرمایه‌گذاری پدر پولدار نوشتیم که اغلب مردم برای فقیر شدن برنامه دارند. به همین دلیل است که بسیاری از مردم می‌گویند: «وقتی بازنشسته شوم، درآمدم کاهش خواهد یافت.» به عبارت دیگر، آنها می‌گویند: «من برنامه‌ریزی می‌کنم که یک عمر سخت کار کنم و بعد در زمان بازنشستگی فقیرتر خواهم شد.» شاید این روش در عصر صنعتی یک برنامه‌ریزی مطلوب بوده باشد اما در عصر اطلاعات برنامه بسیار ضعیفی است.

اکنون میلیون‌ها نفر از شاغلان روی برنامه‌های بازنشستگی خود حساب می‌کنند. برنامه‌هایی مثل بیمه بازنشستگی K ۴۰۱، IRA^۱، برنامه‌های مستمری Superannuation^۲ استرالیا، برنامه‌های RRSP^۳ کانادا و سایر برنامه‌هایی که برای زمان بازنشستگی آنها تدوین شده‌اند. این برنامه‌ها همان‌هایی هستند که من آنها را برنامه‌های بازنشستگی عصر اطلاعات می‌نامم. این نام را به این خاطر روی آن گذاشتم زیرا در عصر اطلاعات، کارکنان مسئول بازنشستگی خود هستند. در عصر صنعتی، این شرکت یا دولت بود که مسئولیت تأمین نیازهای مالی شما هنگام اتمام روزهای کاری را به عهده داشت. یک نقطه ضعف غم‌انگیز در برنامه‌های بازنشستگی عصر اطلاعات وجود دارد. این نقطه ضعف این است که اغلب این برنامه‌ها معطوف به بازار سهام هستند و همان‌طور که ممکن است توجه کرده باشید، بازارهای سهام پیوسته روند صعودی و نزولی دارند. شوکه می‌شوم وقتی می‌بینم میلیون‌ها و میلیون‌ها نفر از کسانی که امروز سخت کار می‌کنند، آینده مالی و امنیت مالی خود را روی یک بازار سهام شرط‌بندی می‌کنند. چه خواهد شد اگر مثلاً در هشتاد و پنج سالگی، برنامه بازنشستگی آنها دیگر وجود نداشته باشد. خواه به واسطه کاهش ارزش، دزدی یا سقوط بازار؟ آیا می‌خواهید به آنها بگویید: «یک شغل پیدا کنید و شروع کنید به پس‌انداز برای زمان بازنشستگی؟» این همان چیزی است که مرا نگران می‌کند و باعث می‌شود کتاب بنویسم و آموزش بدهم. من بر این باورم که ما نیاز داریم که دانش بهتر و آمادگی بهتری برای عصر اطلاعات کسب کنیم، عصری که در آن همه ما نیاز داریم که خیلی بیشتر

۱. در ایالات متحده یک برنامه پس‌انداز بازنشستگی 401K به یک کارمند امکان می‌دهد که برای دوران بازنشستگی خود پس‌انداز کند.

۲. Individual Retirement Account: نوعی برنامه بازنشستگی که برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری در ایالات متحده مزایای مالیاتی دارد.

۳. نوعی صندوق بازنشستگی در کانادا که کارمندان بخشی از حقوق خود را برای دوران بازنشستگی در آن ذخیره می‌کنند.

۴. Registered Retirement Savings Plan: نوعی حساب در کانادا برای نگهداری پس‌اندازها و دارایی‌های سرمایه‌ای با هدف جذب پس‌اندازها برای دوران بازنشستگی توسط کارکنان.

راجع به پول بدانیم. عصری که همه نیاز داریم به لحاظ مالی مسئولیت‌پذیرتر باشیم و کمتر روی یک شرکت یا دولت تکیه کنیم که در زمان اتمام روزهای کاری از ما مراقبت کند.

کافی است به ارقام نگاه کنید. تا سال ۲۰۱۰، اولین گروه ۷۵ میلیون نفری از نسل پرزاد و ولد به تدریج بازنشسته خواهند شد. فرض کنیم در طول سال‌ها، هر یک نفر از این ۷۵ میلیون نفر شروع کند به گرفتن ماهیانه فقط ۱۰۰۰ دلار از محل تعهدات برنامه بازنشستگی دولتی که در آن مشارکت داشته، و ماهیانه ۱۰۰۰ دلار دیگر نیز از بازارهای مالی دریافت کند. اگر حساب من درست باشد، ۷۵ میلیون ضرب در ۱۰۰۰ دلار می‌شود ماهیانه ۷۵ میلیارد دلار از محل برنامه دولت و یک ۷۵ میلیارد دلار دیگر از بازارهای مالی. خارج شدن هفتاد و پنج میلیارد دلار در ماه از سیستم دولت و بازارهای مالی تأثیر شگرفی روی هر دوی این مؤسسات خواهد داشت. دولت چه خواهد کرد؟ افزایش مالیات‌ها؟ بازارهای مالی با این ۷۵ میلیارد پرداخت به جای دریافت چه خواهند کرد؟ به شما توصیه می‌کنم «بخیرید و نگاه دارید، برای بلندمدت سرمایه‌گذاری کنید و موجودی اوراق بهادار خود را متنوع کنید؟» آیا مشاوران مالی به گفتن این جمله ادامه خواهند داد: «میانگین بازار سهام همیشه روند صعودی دارد؟» من گوی بلورین ندارم و تظاهر نمی‌کنم که می‌توانم آینده را پیش‌بینی کنم. اما تا این حد می‌توانم بگویم. مجموع ۱۵۰ میلیارد دلار که به جای ورود به این دو مؤسسه بزرگ، از آنها خارج می‌شود، ارزش‌هایی را به بدنه اقتصاد وارد خواهد کرد.

طرح‌های قدیمی از اقتصاد قدیمی، میلیون‌ها نفر را در بیان روزهایی کاری خود با مشکل مالی مواجه خواهد کرد. میلیون‌ها نفر در آمریکا فاقد برنامه بازنشستگی شرکتی یا برنامه بازنشستگی شخصی خواهند بود. آنها چه خواهند کرد؟ به دنبال شغلی بگردند؟ تمام عمر خود را کار کنند؟ عرصه را برای فرزندان یا نوه‌هایشان تنگ کنند؟ برنامه مبتنی بر سخت کار کردن در تمام عمر، برنامه ضعیفی است. با اینکه این برنامه، برنامه ضعیفی است، میلیون‌ها نفر از مردم آن را در پیش می‌گیرند؛ حتی کسانی که امروز پول زیادی به دست می‌آورند. آنها امروز سخت کار می‌کنند، اما چیزی ندارند که برای فردا کنار بگذارند. برای بسیاری از افراد متعلق به نسل پرزاد و ولد، مهمترین دارایی ما، یعنی زمان، در حال از دست رفتن است.

آن‌گاه می‌شنوم که مردم می‌گویند: «من پس از بازنشستگی به پول زیادی نیاز ندارم. وام خانم تمام خواهد شد و مخارج زندگی‌ام کاهش خواهد یافت.» درست است که مخارج زندگی شما ممکن است کاهش یابد، اما آنچه که افزایش می‌یابد، هزینه‌های پزشکی شماست. هم‌اکنون دارو، سلامتی و مراقبت دندانپزشکی برای بسیاری از شاغلان بسیار گران است. وقتی صنعت

پزشکی با میلیون‌ها بازنشسته مواجه شود که برای زندگی کردن نیازمند مراقبت بهداشتی هستند اما هیچ پولی برای پرداخت ندارند، چه خواهد شد؟ و اگر براین باور هستید که بیمه پزشکی سالمندان شما را نجات خواهد داد، پس احتمالاً به خرگوش عید پاک^۱ هم معتقد هستید.

شاید به همین علت باشد که آلن گرینزپان^۲، رئیس انجمن مرکزی دولت فدرال، اخیراً در تلویزیون گفت: «ما باید آموزش سواد مالی در مدارس را آغاز کنیم.» ما باید به فرزندانمان آموزش دهیم که خودشان مراقب اوضاع مالی خود باشند، تا اینکه از دولت یا شرکتی که در آن کار می‌کنند انتظار داشته باشند که پس از بازنشستگی از آنان مراقبت کنند.

اگر می‌خواهید جوان و ثروتمند بازنشسته شوید، باید برنامه‌ریزی شما بهتر از اغلب مردم باشد. بخش دوم به یک اهرم بسیار قدرتمند یعنی داشتن برنامه‌ای برای نحوه بازنشسته‌شدن در جوانی و ثروت اختصاص دارد.

بخش ۳ - اهرم عملکردهای شما

حتماً داستان قدیمی سه پرنده که روی حصار نشسته‌اند را شنیده‌اید. پرسش این است: «اگر دو پرنده تصمیم بگیرند که پرواز کنند چند پرنده باقی می‌ماند؟» پاسخ این است: «سه پرنده باقی می‌مانند.» درس این داستان این است، فقط به دلیل اینکه شما تصمیم می‌گیرید کاری را انجام دهید، به این معنا نیست که تصمیم خود را عملی خواهید کرد. در دنیای واقعی، کمتر از ۵ درصد از جمعیت ایالات متحده ثروتمند هستند زیرا ۹۵ درصد از جمعیت ممکن است بخواهند ثروتمند شوند، اما فقط ۵ درصد از آنان دست به اقدام عملی می‌زنند.

در کتاب شماره چهار، تحت عنوان فرزند ثروتمند فرزند باهوش^۳، به این موضوع پرداخته‌ام که چگونه سیستم مدارس ما کودکان را برای اشتباهاتشان تنبیه می‌کند. حال آن که اگر به نحوه یادگیری ما بنگرید، می‌بینید که ما از اشتباهاتمان می‌آموزیم. اغلب ما دوچرخه سواری را طی بارها افتادن و برخاستن می‌آموزیم. ما برای اینکه راه رفتن را یاد بگیریم بارها زمین می‌خوریم. آن‌گاه به مدرسه می‌رویم و آنجا به ما یاد می‌دهند که نیفتیم. به ما یاد می‌دهند کسانی که می‌افتند افراد کودنی هستند. به ما یاد می‌دهند که افراد باهوش، کسانی هستند که مثل آن سه

۱. Easter Bunny: شخصیتی افسانه‌ای به شکل یک خرگوش که در شب قبل عید پاک با سبزی پر از تخم مرغ‌های رنگی، آبنبات و گاهی اسباب‌بازی به خانه‌ها می‌رود و آنها را در محلی مشخص می‌گذارد و یا در جایی در خانه مخفی می‌کند تا بچه‌ها صبح که بیدار می‌شوند آنها را پیدا کنند.

2. Alan Greenspan

3. Rich Kid Smart Kid

پرنده روی حصار می‌نشینند و پاسخ‌های درست را به خاطر می‌سپارند. پس خیلی تعجب ندارد که تنها ۵ درصد از مردم آمریکا پولدار می‌شوند. اگر به برخی از ثروتمندترین مردم جهان بنگرید، افرادی مثل بیل گیتس، بنیانگذار مایکروسافت^۱، مایکل دل، بنیانگذار شرکت رایانه‌ای دل^۲، تد ترنر، بنیانگذار سی.ان.ان^۳، هنری فورد بنیانگذار شرکت موتورسازی فورد^۴ و توماس ادیسون بنیانگذار شرکت جنرال الکتریک^۵، می‌بینیم که همه آنها کسانی بودند که مدرسه را تمام نکردند.

نمی‌خواهم بگویم که مدرسه بد است. در عصر اطلاعات، مدرسه و تحصیلات اهمیتی بیش از قبل دارند. می‌خواهم بگویم که برخی اوقات برای موفق شدن باید یاد بگیریم آنچه که به ما یاد داده‌اند انجام ندهیم. اگر به دنبال موفقیت بیشتر هستید، کافیت ببینید بچه‌ها چگونه یاد می‌گیرند و مانند آنان عمل کنید. یکی از چیزهایی که باید یاد می‌گرفتم این بود که چگونه به ترس از اشتباه کردن، ترس از افتادن و ترس از شرمند شدن غلبه کنم. اغلب کودکان می‌دانند که چگونه این کار را به طور طبیعی انجام دهند، اما ما به آنها یاد می‌دهیم که چطور این کار را در مدرسه انجام ندهند. اگر این امکان را نداشتیم که نحوه اشتباه کردن را بیاموزم، اینکه چطور شکست بخورم و چطور به احساس شرمندگی خود غلبه کنم، نمی‌توانستم جوان و ثروتمند بازنشسته شوم.

سه چیز که هر کسی می‌تواند انجام دهد تا ثروتمند شود

همیشه گفته‌ام، آنچه که برای ثروتمند شدن به آن نیاز دارید ساده و آسان است. تقریباً هر کسی می‌تواند آن را انجام دهد. خوشحالم که این کتاب را در اختیارتان می‌گذارم، زیرا اگر می‌خواهید جوان و ثروتمند بازنشسته شوید، بخش‌های ۱ و ۲ شما را برای انجام امور ساده‌ای که باید در این راستا انجام دهید آماده می‌کنند. در بخش ۳، به کارهای ساده و آسانی که اغلب ما می‌توانیم برای ثروتمند شدن انجام دهیم خواهیم پرداخت. به سه دارایی مهم اشاره خواهیم کرد که افراد را ثروتمند می‌کنند و موجب جوان و ثروتمند بازنشسته شدن آنها می‌شوند. این سه دارایی عبارتند از:

۱. املاک

۲. اوراق بهادار

۳. کسب و کارها

1. Bill Gates, Microsoft
2. Michael Dell, Dell Computer Corporation
3. Ted Turner, CNN
4. Henry Ford, Ford Motor Company
5. Thomas Edison, General Electric

در بخش ۳، خواهید دید که برای دستیابی به این دارایی‌های بسیار مهم چه می‌توانید بکنید. علت اینکه من و کیم توانستیم جوان و ثروتمند بازنشسته شویم این است که ما وقت خود را صرف کسب دارایی‌ها کردیم تا کار کردن برای پول.

اگر می‌توانید این کتاب را بخوانید، پس می‌توانید مراحل عملی ساده برای کسب این سه دارایی مهم را طی کنید، دارایی‌هایی که ۵ درصد جمعیت ثروتمند به دست می‌آورند. به شما قول می‌دهم که می‌توانید این مراحل عملی را انجام دهید، اما نیاز خواهید داشت که دو بخش نخست این کتاب را بخوانید. اگر دو بخش نخست را مطالعه نکنید، نمی‌توانید مراحل عملی را انجام دهید، حتی اگر انجام دادن آنها ساده باشد. همان‌طور که پدرپولدار سال‌ها قبل به من گفت: «پولدار شدن با طرز فکر درست، با واژه‌های درست و برنامه‌ریزی درست آغاز می‌شود. وقتی اینها را داشته باشید، مراحل عملی ساده هستند.»

پس چرا داوود با جالوت مقابله کرد؟ پاسخ پدرپولدار به این پرسش این بود: «داوود با جالوت مقابله کرد تا بتواند با غول درون خود مقابله کند.» او همچنین گفت: «درون هر یک از ما یک داوود و جالوت وجود دارد. بسیاری از مردم در زندگی موفق نمی‌شوند زیرا وقتی جالوت را می‌بینند از او فرار می‌کنند. بدون جالوت، داوود هرگز نمی‌توانست به یک ابرمرد تبدیل شود.» پدرپولدار از این داستان برای الهام بخشیدن به من و پسرش استفاده می‌کرد تا تبدیل به غول‌های پول و ثروت شویم. به عبارت دیگر، او به جای کشتن غول، ما را به سمت غول شدن سوق داد.

این کتاب در خصوص استقلال مالی است. من و کیم با به دست آوردن یا ساختن دارایی‌ها توانستیم به این استقلال دست یابیم... دارایی‌هایی که سخت کار کردند تا ما مجبور نباشیم کار کنیم. وقتی مستقل شدیم، صرفاً به تبدیل موجودی دارایی سه‌گانه‌مان (کسب و کارها، اوراق بهادار و املاک) به موجودی‌هایی غول‌آسا ادامه دادیم. ما در جوانی بازنشسته شدیم و با بهره‌گیری از تمام اهرم‌های موجود توانستیم این دارایی‌ها را بسازیم و پولدارتر و پولدارتر شویم. امروز، این دارایی‌ها هرچه بیشتر تولید درآمد می‌کنند در حالی که ما کمتر و کمتر کار می‌کنیم. اگر شما هم قصد دارید به این شکل عمل کنید، این کتاب برای شماست. این کتاب نگاشته شده است تا به شما کمک کند استقلال مالی خود را بیابید... و از جان کندن برای امرار معاش رها شوید.

در پایان، داوود با استفاده از تمام اهرم‌های موجود تبدیل به یک غول شد. شما هم می‌توانید همین‌طور عمل کنید. این کتاب به شما می‌گوید چگونه غول درون خود را آزاد کنید.